خراسان روزنامه صبح ایران
سه‌شنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۴ . ۵ جمادی‌الثانی ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۲۱۷

شش هزار فعال قرآنی در نوبت بیمه قرار دارند

معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: ۳ هزار و ۵۰۰ نفر از فعالان قرآنی بیمه هستند و ۶ هزار نفر نیز در نوبت بیمه قرار دارند. به گزارش ایرنا حجت‌الاسلام محمدرضا حشمتی افزود: تا سقف ۱۰ هزار فعال قرآنی بیمه نشده نیز داریم که با حل مشکل اعتباری، متناسب با اولویت، بیمه خواهند شد.

گفت‌وگو با پروفسور کردوانی، پدر علم کویرشناسی ایران

راه حل مشکلات محیط زیستی ایران

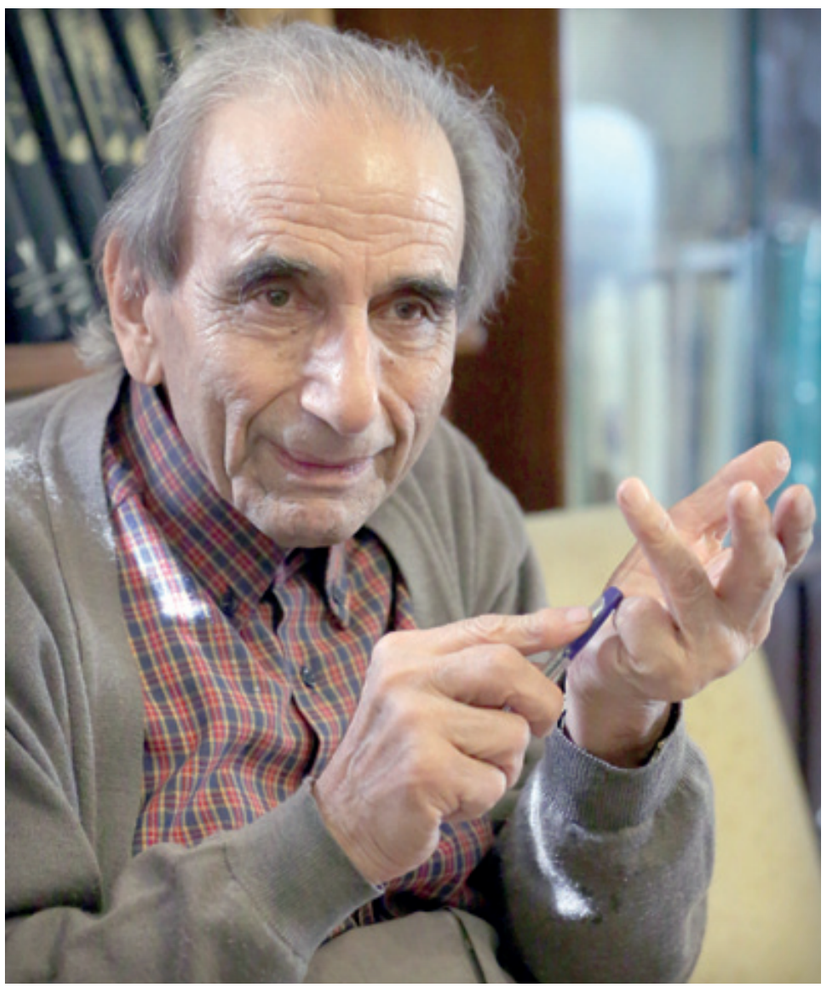

حفظ و نگهداری محیط زیست طبیعی کشورمان، از جمله مسائلی است که بارها در بیانات رهبر انقلاب مورد تأکید قرار گرفته است. ایشان در بیاناتی به مناسبت روز درخت کاری، تخریب محیط زیست و تهاجم به جنگل‌ها را خلاف مصلحت برشمردند و بر مسئولیت انسان در قبال حفظ و حراست محیط زیست تاکید ویژه‌ای نمودند. همچنین ایشان سال گذشته نیز در دیدار مسئولان و فعالان محیط زیست بر شناخت ویژگی و ظرفیت‌های طبیعی ایران و تعامل همه دستگاه‌های ذی‌ربط برای حل مشکلات محیط زیست به‌ویژه مسئله ریزگردها تأکید ورزیدند. پروفسور پرویز کردوانی، استاد تمام دانشگاه تهران و پدر علم کویرشناسی ایران یکی از معدود صاحب‌نظرانی است که برای حل مشکلات محیط زیستی، نظریات و راه کارهای خاصی دارد که در عین جذاب و بدیع بودن، می‌تواند برای مردم و مسئولین نیز قابل تأمل باشد. از نظر او مشکلات زیست‌محیطی در ایران دو دلیل عمده دارد: یکی فرهنگ غلط استفاده از آن و یکی هم سیاست‌های اشتباه دولت‌ها در حوزه محیط زیست.

با توجه به پراکندگی و تنوع محیطی-اقلیمی در کشورمان، چگونه می‌توان از این پراکندگی استفاده بهینه کرد؟

کشور ما یک کشور استثنایی در جهان است. جالب است بدانید که ایران هم باید مثل بعضی از کشورهای همسایه، سراسر بیابان می‌شد، اما خوشبختانه به دلیل چین خوردگی و وجود کوهستان در کشورمان، آب و هوای متنوع پدید آمده است. از نظر تنوع محیطی، ایران و آمریکا در جهان با بقیه کشورها متفاوت‌اند؛ یعنی در زمانی که قله البرز پوشیده از برف و یخ است، در چابهار به راحتی می‌توانید در آب گرم دریا شنا کنید. هر محصولی که در دنیا کاشته می‌شود، در ایران هم به عمل می‌آید. من جایی گفتم در ایران فقط قهوه نداریم. چند وقت بعد، یکی از دانشجوهایم قهوه آورد و گفت این قهوه محصول شهر میناب است. تنوع محصولات قابل کشت در کشور ما این گونه است. از سویی دیگر، شما در صنعت توریسم ببینید که ایران چه توریستی می‌تواند جذب کند. شاید برای همه جالب باشد بدانند همین کویری که خیلی‌ها آن را بی‌فایده می‌دانند، برای کشورمان سرشار از نعمت است. کویر یک نعمت الهی و بسیار قابل استفاده است. حتی یک وجب از این کویر بدون استفاده نیست. مواد شوینده، شیشه‌سازی، کاغذسازی، جداسازی آهن از سنگ آهن به‌وسیله سولفات سدیم و... همه از کویر به دست می‌آید. همچنین می‌توان با استفاده از پنل‌های خورشیدی، برق تمام ایران را از بیابان‌ها به دست آورد. یعنی در کشورمان چنین پتانسیلی داریم. سال گذشته، رهبری هم در دیدار با مسئولان و فعالان محیط زیست به همین موضوع اشاره کردند که بروید از آقای کردوانی بپرسید که همین کویر دارای چه ظرفیت‌هایی است.

متأسفانه بعضی مواقع شاهد تخریب محیط زیست و از دست دادن چنین ظرفیت‌هایی هستیم. این در حالی است که رهبر انقلاب با استناد به آیه شریفه «خلق لکم ما فی الارض جمیعا» همه پدیده‌های محیط زیست را از نعمات الهی و تخریب آن‌ها را حرام می‌دانند.

مشکلات زیست‌محیطی در ایران دو دلیل عمده دارد. یکی فرهنگ غلط استفاده از آن و یکی هم سیاست‌های اشتباه در سطح کشور که شاید این موضوع پررنگ‌تر باشد. در دهه‌های گذشته، تصمیمات کلانی به اشتباه گرفته‌ایم که می‌توانست آسیب‌هایی به مراتب بیشتر به محیط زیست کشورمان وارد کند. جالب اینکه این موضوع در همه دولت‌ها، علی‌رغم تفاوت‌هایی که به لحاظ رویکردی با هم داشته‌اند، اتفاق افتاده است. بگذارید چند نمونه از آن‌ها را برایتان بگویم. در ابتدای دهه شصت، طرحی داده شد مبنی بر اینکه قسمتی از کوه دماوند به شکل ذوزنقه (در سمت مازندران، به طول هفت کیلومتر و در سمت تهران به طول پنج کیلومتر) تراشیده شود. با این توجیه که رطوبت حاصل از دریای خزر به نواحی مرکزی ایران وارد شود و بتوانیم آب و هوای ایران را عوض کنیم. با توجه به این نکته که ایران در منطقه پرفشار قرار دارد، این تصمیم بسیار غیر کارشناسانه و مبتدی بود، در حالی که پنج سال روی آن مطالعه شده و بودجه زیادی برای آن هزینه شده بود. در نهایت با اعتراض اینجانب، طرح متوقف شد. یا در نمونه‌ای دیگر، در سال‌های پایانی دهه شصت و در زمان روی کار آمدن اولین دولت بعد از جنگ، طرحی آماده شد تا بزرگ‌ترین کانال آبراه جهان از دریای خزر تا خلیج فارس ساخته شود که امکان کشتیرانی از دریای خزر تا آب‌های آزاد فراهم شود. این طرح از بندر ترکمن آغاز می‌شد و در بندر تیاب به اتمام می‌رسید؛ یعنی فاصله‌ای در حدود دو هزار کیلومتر. کشتی که از دریای خزر وارد این کانال می‌شد، می‌توانست دوازده کیلومتر را در هر ساعت طی کند؛ یعنی ۱۶۶ ساعت (تقریباً یک هفته) طول می‌کشد تا به خلیج فارس برسد، آن هم با این فرض که در همه نقاط این کانال، پنج و نیم متر آب وجود داشته باشد. بنابراین عملاً این طرح مقرون به صرفه نیست؛ چرا که مدت زمان انتقال یک بار، یک هفته طول می‌کشید، در حالی که از طریق راه‌های دیگر می‌توان به مراتب زمان کمتری صرف کرد. به همین دلیل، این طرح پس از مدت‌ها و صرف حدود سیصد میلیون تومان در آن زمان، به اصرار و اعتراض بنده متوقف شد. اما در سال ۱۳۷۹، یعنی در دولت بعدی، همین طرح که رد شده بود دوباره به جریان افتاد با نام «ایران رود» که از بندر ترکمن به بندر جاسک می‌رسید. این طرح از طرح قبلی هم ضعیف‌تر بود و آن هم سرانجام متوقف شد. در همین سال‌ها بود که احداث بی‌رویه سدها در کشور رونق گرفت و موجب خشکی باتلاق‌ها و دریاچه‌ها شد. توجه کنید که فقدان افراد متخصص چقدر هزینه‌بر و چه اندازه برای محیط زیست و کشور مضر است. متأسفانه به تعریف محیط زیست که شامل خاک، آب و هوا و زیستگاه موجودات زنده، از جمله انسان‌ها، گیاهان و جانوران است، توجه نمی‌شود و تنها به توسعه شهرها و کلان شهرها اهمیت داده می‌شود. همین امر باعث به وجود آمدن وضعیت فعلی شده است. جالب‌تر آنکه در دولت بعدی هم این طرح را مطرح کردند، اما آنجا هم رد شد.

در حالی که بسیاری از کشورهای پرجمعیت‌تر و کم‌مساحت‌تر از ایران، مشکل آلودگی هوا را حل کرده‌اند، این مسئله سال‌هاست در شهرهای صنعتی ایران ادامه دارد. دلیل این امر چیست و دیگر کشورها برای حل آن چه کرده‌اند؟

باید مدیریت و سیاست‌گذاری در چگونگی مواجهه با محیط زیست را تغییر بدهیم، وگرنه با روند فعلی، به هیچ‌عنوان وضعیت آلودگی هوا بهبود پیدا نمی‌کند. کشورهایی هستند که جمعیت‌شان بسیار بیشتر از ماست و بالطبع، چند برابر ما وسایل نقلیه موتوری دارند، اما از هوای سالمی برخوردارند. دلیل این امر، رعایت چند نکته است. اول اینکه وسایل نقلیه ما به‌روز نیستند؛ یعنی هم بیش از حد سوخت مصرف می‌کنند و هم احتراق کامل ندارند که همین باعث تولید گاز مضر منواکسید کربن می‌شود. نکته دوم عمر زیاد وسایل نقلیه در ایران است؛ یعنی خودرویی که به‌طور استاندارد احتراق ندارد، وقتی قدیمی بشود، بدتر عمل می‌کند. باید چاره‌ای بیابیم تا ماشین‌ها و موتورهای فرسوده را جمع‌آوری کنیم و نگذاریم عمر این وسایل طولانی شود، چون به ضرر خودمان و محیط زیستمان است. نکته سوم، کیفیت پایین سوخت عرضه شده در کشور است که نقش مستقیمی در آلودگی هوا دارد؛ هم بنزینمان بی‌کیفیت است و هم در گازوئیل مان گوگرد وجود دارد. نکته چهارم فرهنگ غلط استفاده از خودروی شخصی و موتور است که اکثراً تک‌سرنشین هستند. یک نکته خیلی مهم، به‌ویژه درباره تهران و اصفهان، جانمایی اشتباه صنایع است؛ یعنی اکثر کارخانه‌ها و صنایع و حتی فرودگاه مهرآباد، در بخش غربی تهران واقع شده است و اتفاقاً جریان وزش باد هم از سمت غرب به شرق است؛ یعنی باد تمام آلودگی این صنایع را به داخل شهر تهران می‌آورد. همین مشکل در اصفهان هم وجود دارد. تمام صنایع در سمت نائین است و باد هم از همان جهت می‌وزد. نکته ششم اینکه باید کارخانه‌ها و صنایع خودمان را به دستگاه تصفیه مجهز کنیم. این یک امر لازم، ضروری و واجب است. ما در کشورمان نیاز به توسعه پایدار داریم. سند صیانت از محیط زیست وجود دارد، اما همه دستگاه‌ها و قوا باید ملزم به رعایت تمام و کمال آن بشوند. توسعه پایدار یعنی اینکه هم جنگل حفظ شود، هم دریاچه و رودو تالاب و در عین حال کشاورزی و صنعت هم زنده و پررونق باشد، نه اینکه فقط به توسعه شهر فکر کنیم و لاغیر. در ایران برای مقابله با ریزگردها، از پوشش مالچ نفتی استفاده می‌شود؛ کاری که پنجاه سال پیش، یعنی در سال ۱۳۴۲ انگلیسی‌ها در لیبی انجام می‌دادند. ما از آن‌ها یاد گرفتیم و هنوز هم این کار را انجام می‌دهیم، در حالی که مالچ نفتی اثرات منفی بسیاری دارد.

کشور ما سال‌هاست با پدیده حرکت ماسه‌ها، یعنی پدیده‌ای که موجب جابه‌جایی ماسه‌ها و به‌مرور از بین رفتن پوشش گیاهی می‌شود، مواجه است. چگونه می‌توان با این پدیده مقابله کرد؟

متأسفانه سال‌های طولانی در ایران برای تثبیت ماسه، از پخش مالچ نفتی استفاده شده است. امروز هم در ایران برای مقابله با ریزگردها، از پوشش مالچ نفتی استفاده می‌شود؛ کاری که دارد که بسیار پرهزینه است. پس از اینکه این پوشش نفتی روی سطوح طبیعی پاشیده شد نیز، منظره سیاه و ناخوشایندی در تمام محیط به وجود می‌آورد. به دلیل سیاه‌رنگ شدن زمین، ضریب حرارتی دمای آن منطقه نیز افزایش پیدا می‌کند. از سوی دیگر، این ماده وقتی روی زمین می‌نشیند، موجب از بین رفتن تمام گیاهان و حتی موجودات درون زمین، مثل کرم، هزارپا و... می‌شود. نکته منفی دیگر مالچ نفتی، بوی تعفنی است که در محیط پخش می‌شود و زندگی را برای مردم آن منطقه سخت و دشوار می‌کند؛ همچنین، مانع از نفوذ آب باران در زمین می‌شود. تازه با این همه مضرات، این مالچ نفتی نهایتاً پس از چهار سال از بین می‌رود و خودش تبدیل می‌شود به ریزگرد که استشمام ذرات آن سرطان‌زاست.

پس چاره کار چیست؟

برای حل مشکل حرکت ماسه‌ها، دو راه حل جدید داریم که بسته به محیط جغرافیایی، روش‌های مختلفی را شامل می‌شوند. پاسخ نخست در منطقه خوزستان است که به‌دلیل جنس خاک ماسه‌ای و میزان بارندگی، تنها لازم است در آنجا پوشش گیاهی مناسب ایجاد شود؛ یک بار و برای همیشه. یعنی فقط لازم است بذر گیاهانی مانند علف سودانی در این مناطق کاشته شود. در مدت زمان کوتاهی، این مناطق سبز می‌شوند و دیگر مشکل حرکت ماسه‌ها در این منطقه وجود نخواهد داشت. پاسخ دوم برای مناطقی غیر از خوزستان است که باید برای آن مناطق از مالچ رسی-ماسه‌ای استفاده کنیم. با مخلوط کردن ۴۰ درصد رس، ۱۰ درصد ماسه و ۵۰ درصد آب، یک ترکیب جدید به وجود می‌آید که هیچ کدام از مضرات مالچ نفتی را ندارد و همان خاصیت نگه‌دارندگی را در خاک ایجاد می‌کند. علاوه بر آن، چون رنگ این پوشش روشن است، دمای محیط را کاهش می‌دهد. این ماده بسیار ارزان‌تر و سریع‌تر از مالچ نفتی تهیه می‌شود و در نهایت منظره زیباتری نیز ایجاد می‌کند.

یکی دیگر از مشکلات محیط زیستی کشور در سال‌های اخیر، که هم‌وطنان ساکن جنوب و غرب کشورمان با آن درگیر هستند، پدیده ریزگردهاست. علت به‌وجود آمدن این پدیده چیست؟

ریزگردها ذراتی هستند که قطر آن‌ها از ۰/۰۰۲۰ میلی‌متر کمتر است. این ریزگردها دو دسته‌اند. یک دسته از آن‌ها منشأ آلی دارند، مثل نفت که خیلی خطرناک‌اند. نوع دیگر آن‌ها منبع کانی دارند؛ یعنی از سنگ و خاک هستند. این نوع هم باز دو قسمت می‌شود. یک سری از خاک رس هستند و نوع دیگر، از سنگ‌های سیلیکاتی که خیلی خطرناک است و اگر وارد شش انسان شود، ریه را سوراخ می‌کند. تصور کنید ماده‌ای از جنس شیشه، به‌عنوان ریزگرد وارد ریه آدم شود. در این صورت چه اتفاقی می‌افتد؟ این ذرات قادرند هزارها متر بالا بروند و هزارها کیلومتر هم افقی پرواز کنند. در سال ۱۳۴۹ که سوئد بودم، این ریزگردها از صحرای آفریقا تا آنجا آمده بودند. ما در ایران ریزگرد را نمی‌شناختیم و تازه ده سال است که با آن مواجه شده‌ایم. علت به وجود آمدن آن هم از بین رفتن پوشش گیاهی در کشورهای همسایه، خشک شدن باتلاق‌های منشعب از دجله و فرات، به‌دلیل ساخت سدهایی روی این دو رود، است. در ابتدا ما با ریزگردهایی مواجه شدیم که برون‌مرزی بودند و منشأ آن‌ها غرب شهر بغداد بود. بعد از آن، شرق اردن، عربستان، صحرای آفریقا و در سال‌های اخیر هم تدمر، در صحرای شام، جزو مناطقی هستند که منشأ ریزگردهای برون‌مرزی ما به‌شمار می‌روند. با ادامه این ریزگردها و تغییراتی که در نتیجه حفر بی‌رویه چاه‌ها و خشک شدن تالاب‌ها و باتلاق‌ها در محیط جغرافیایی ایران به وجود آمده است، در حال حاضر شاهد ریزگردهایی با منشأ داخلی هستیم که در استان خوزستان و سمنان، اصفهان و قم به وجود می‌آیند.

رهبر معظم انقلاب بر حل این مشکل تأکید کرده‌اند، از جمله در دیدار فعالان محیط زیست فرمودند: «مسئله و مشکل پدیده غبار باید علاج بشود. مشکل پدیده غبار فقط تنفّس مردم نیست؛ به‌بنده گزارش دادند که جنگل‌های غرب کشور-جنگل‌های بلوط-به‌خاطر این پدیده غبار در خطر نابودی است.» راه‌حل شما برای مقابله با ریزگردها چیست؟

برای حل بحران ریزگردها، نیاز به یک پاسخ دائمی و عقلانی داریم. پاسخی که در طبیعت نیز وجود دارد. پاسخ این مسئله استفاده از ریگ است. ریگ به‌اندازه یک بند انگشت است. باید از desert pavement یا همان پوشش سنگی بیابانی استفاده کنیم. شما به مسیر ارادکان-جندق نگاه کنید. هر دو سمت جاده، ریگزار است. همچنین در مسیر یزد به سمت بافق، دشت‌های منطقه پوشیده از ریگ است. به همین دلیل، شدیدترین بادها در این دو ناحیه تأثیری ندارند و تولید ریزگرد نمی‌کنند. برای کنترل ریزگرد، تنها کافی است روی بیابان‌ها، پوشش ریگ درست کنیم. قطر این پوشش نیز چند سانتی‌متر باشد کافی است. همین که یک غلتک از روی ریگ‌ها عبور دهیم تا آن‌ها را محکم کند، دیگر هیچ ریزگردی از این منطقه تولید نمی‌شود. علاوه بر این، برخلاف مالچ نفتی که امکان عبور و مرور از روی مناطق را از بین می‌برد، پوشش ریگزار قابلیت عبور و مرور را دوطرفه دائمی است. تصور کنید صدها هکتار از بیابان‌های کشور تحت این پوشش قرار بگیرند. علاوه بر مقابله با ریزگرد، این مناطق را می‌توان به پارک‌های تفریحی و علمی تبدیل کرد که برای عموم مردم قابل استفاده باشد. این طرح علاوه بر اینکه بومی است، دقیقاً بر مبنای استانداردهای سازمان ملل است. یک بار برای همیشه باید این طرح را اجرا کنیم و ثمرات آن را ببینیم. متأسفانه شنیده‌ام که مجلس مصوب کرده است ده هزار تن مالچ نفتی رایگان پاشیده شود. این کار واقعاً به ضرر مردم و محیط زیست کشور است. تنها راه نجات محیط زیست ما این است که چشممان به دست غربی‌ها نباشد تا هر کاری که آن‌ها گفتند، انجام دهیم. باید با دانش و ابتکار عمل، پاسخ‌هایی مبتکرانه و بومی و متناسب با شرایط اقلیمی خودمان برای رفع مشکلات محیط زیست بیابیم و آن‌ها را اجرایی کنیم.

فیلمی نساخته‌ام که به آن اعتقاد نداشته باشم

خبرگزاری فارس

ابراهیم حاتمی کیا، کارگردان فیلم سینمایی بادیگارد که از بیست و ششم ماه جاری اکران عمومی می‌شود، در گفت‌وگویی مبسوط با چهل و ششمین شماره مجله مهرنامه، به بیان ایده‌ها، زاویه دیدها و انتقاداتی پرداخته است که برخی از آن‌ها برای اولین بار است که منتشر می‌شود. آن چه در پی می‌آید بخش‌های کوتاهی از پاسخ‌های این کارگردان صاحب سبک ایرانی در این گفت‌وگوست.

■ نمی‌توانم سکوت کنم

همه این حساسیت‌ها از زمان اکران فیلم «چ» آغاز شد. در جشنواره دو سال قبل، فیلم «شیار ۱۴۳» مورد بی‌اعتنایی قرار گرفت و با هزار سلام و صلوات وارد مسابقه شد و وقتی فیلم را دیدم عمق فاجعه آنقدر بزرگ بود که طاقت نیاوردم و اعتراض کردم معترض بودم که چطور جریانی که آن را به عنوان هیات انتخاب می‌شناسیم نسبت به این نوع فیلم‌ها با موضوع شهدای جنگ، بی‌تفاوت است و حساسیت نشان نمی‌دهد. سوال بعدی من این بود که چه سلیقه و ساختاری این هیات انتخاب کرده یا هیچ وقت پیش خودش به کارایی آنها در مواجهه با موضوعات اینگونه فکر نکرده است؟ آنچه رخ داد اعتراض من و اظهار نظرهای طرف مقابل بود حالا از طرف مقابل آنچه شنیدم، بیشتر از اینکه پاسخی به سوال من باشد نوعی توجیه و فرار رو به جلو بود و بیشتر مرا هدف قرار دادند تا اینکه به حرفم جواب بدهند حالا از اینجا به بعد کار به روحیه افراد بستگی دارد. مثلاً کسی که در این موقعیت قرار می‌گیرد و می‌گوید اهمیتی ندارد و باید از این بحث عبور کرد، خودش را هم قانع می‌کند که بالاخره انتقادش را کرده و کسی جواب نداده یا جواب درستی نداده است و لی من از نظر روحیه فردی، نمی‌توانم سکوت کنم یا حداقل به همین سادگی‌ها قانع نمی‌شوم همان زمان سوال من این بود که چرا مدیران سینمایی به این فاجعه بی‌توجه بودند به هر حال این اظهار نظرها برای من هم فشارهایی را به همراه آورد چه در خانواده و چه در محیط بیرون، گاهی از این جهت تحت فشار بودم.

■ ببینید فیلم‌هایم چه می‌گویند؟

من تقریبا به اندازه عمر انقلاب در سینما حضور داشته‌ام و هر بار چیزی گفتند. من گوشم پر است از این استدلال‌ها. ایرادی هم ندارد. شما اینطور محاسبه کنید من هم کار خودم را می‌کنم. آنچه ارزش دارد، فیلمسازی است. ببینید فیلم‌هایم چه می‌گویند. اهل این حرف‌ها نیستم. نه این که اهل این حرف‌ها نباشم که حتی خیلی کارهای عادی‌تر در این حوزه‌های مالی را هم انجام نداده‌ام. یک زمانی فارابی وام‌های بابهره ۳ درصد به فیلمسازان می‌داد. خیلی‌ها برای تولید فیلم از این وام‌ها گرفتند بعد هم نه اقساط و نه اصل وام را پس دادند. فارابی هم با خودش فکر کرد که اینها را که نمی‌توان زندان انداخت. بنابراین قلم عفو روی نام آنها کشیده شد. خیلی‌ها از این امکانات استفاده کردند که بعدها مدعی اپوزیسیون شدند و هنوز هم خودرا مستقل تعریف می‌کنند. ولی شما آن فهرست را ببینید که آیا اسمی از من آمده است؟ من حتی از این جنس محاسبات مالی هم نداشتم که مثلا بروم وام بگیرم و فیلم بسازم و بعد هم خودم را در موقعیت اپوزیسیون قرار دهم و بگویم خوب حالا پولتان را هم پس نمی‌دهم.

■ سفارشی فیلم نمی‌سازم

من هیچ‌وقت سفارشی برای ساخت فیلم نگرفته‌ام. هیچ‌وقت هم فیلم سفارشی نساخته‌ام. ممکن است که امروز یا دیروز یک نهاد تهیه کننده فیلم من شده باشد ولی اینطور نبوده که آنها پیشنهاد ساخت فیلم را به من داده باشند. موضوع فیلم اگر مسئله ذهنی و دغدغه من نباشد، اصلا نمی‌توانم به آن نزدیک شوم. به همین دلیل هم با صراحت می‌گویم که اهل کار سفارشی به این معنا نیستم. البته در جریان ساخت فیلم گاهی از تهیه کنندگانی مثل آقای منوچهر محمدی که به کارش تسلط دارد و از نظر فنی هم درک خوبی دارد، مشورت گرفته‌ام ولی معنایش این نبوده که به سفارش کسی عمل کنم. خدا را شکر می‌کنم که هیچ فیلمی هم نساختم که به آن اعتقاد نداشته باشم و حرف خودم نباشد.

■ من یک تنه یک سپاهم

من سپاه را تفکر می‌دانم و نه یک ساختار مدیریتی. برای همین راستش خودم را بسیار بیشتر از کسانی که ممکن است فیش حقوقی سپاه را بگیرند پاسدارتر می‌دانم و هیچ ابایی ندارم که بگویم که من خودم یک تنه یک سپاهم.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت کشاورزی و دامپروری کشت فن (سهامی خاص) شماره ثبت ۲۱۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۵۵۷۵۰۷ مجمع فوق‌را س ساعت ۱۰ صبح مورخ ۹۵/۱/۱۷ در محل بیرجند-خیابان مطهری-نبش مطهری ۵-ساختمان حج و زیارت طبقه سوم تشکیل می گردد.
دستور جلسه: بررسی صورت های مالی سال ۹۳-انتخاب اعضای هیئت مدیره و بازرسین-سایر موضوعاتی که در دستور کار قرار گیرد.
هیئت مدیره
۹۴۵۱۰۰۰۹/ج